



مطالعه اکتشافی پیشران‌های تاثیرگذار بر کیفیت نظام آموزش عالی ایران

سعید شریفی رهنمو^۱، روح‌الله سهرابی^{۲*}

۱ استادیار مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

۲ دانشیار مدیریت تولید و عملیات، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

سابقه مقاله

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۳۱

پژوهش حاضر با هدف مطالعه اکتشافی پیشران‌های تاثیرگذار بر کیفیت نظام آموزش عالی ایران انجام شد. این پژوهش از منظر هدف کاربردی است و با رویکرد آمیخته طرح‌ریزی و از راهبرد اکتشافی متوالی بهره گرفته شد. در بخش کیفی از تحلیل مضمون و در بخش کمی از پیمایش از خبرگان استفاده شد. جامعه آماری در بخش کیفی ۱۴ تن از مدیران، متخصصان و خبرگان دانشگاهی در حوزه ارزیابی و استقرار نظام تضمین کیفیت در آموزش عالی بودند که انتخاب آنها به روش هدفمند ملاکی تا رسیدن به اشباع نظری انجام شد. در بخش کمی ۷۶ تن از کارشناسان و اعضای هیأت نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت مراکز نظارت و ارزیابی وزارت علوم در دانشگاه‌ها به روش دردسترس مشارکت کردند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در بخش کیفی مصاحبه نیمه ساختاریافته بود که برای اطمینان از کیفیت داده‌ها با جمع‌بندی و اعلام در انتهای هر جلسه همراه شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در مرحله کمی، پرسشنامه مبتنی بر داده‌های مرحله قبل بود که روایی آن از طریق بررسی ۷ خبره و پایایی آن نیز از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۷ محاسبه شد. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون و آزمون فریدمن استفاده شد. یافته‌ها نشان داد پیشران‌های تاثیرگذار بر کیفیت نظام آموزش عالی شامل ۵۷ مفهوم پایه‌ای، ۱۷ مفهوم سازمان‌دهنده و ۴ مفهوم فراگیر است. یافته‌های کمی نیز نشان داد با توجه به مقدار میانگین رتبه‌ها بیش‌ترین مقدار به بیان یافته‌ها، پیشران‌های درون‌زا (۳/۸۴) و پس از آن به ترتیب پیشران محیطی (۲/۷۶)، پیشران‌های زیرساختی (۲/۰۰) و پایین‌ترین پیشران نیز پیشران زیست‌محیطی (۱/۰۸) گزارش شده است. از این رو برای فراهم کردن زمینه کیفیت‌بخشی در نظام عالی باید سیاست‌زدایی و شایسته‌سالاری در نظام صورت پذیرد. همچنین با کاهش دیوانسالاری و تمرکزگرایی و زمینه‌سازی استقلال عمل دانشگاه‌ها باید برای ابتکارات درون‌زا تلاش نمود.

کلمات کلیدی: پیشران‌های تاثیرگذار، تضمین کیفیت، نظام آموزش عالی، مطالعه اکتشافی.

۱ مقدمه

امروزه همگان تصدیق می‌کنند که مهارت و سرمایه انسانی، شاکله توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی را تشکیل می‌دهد (شوده^۱، ۲۰۲۴). در دنیای معاصر، جامعه و اقتصاد، حول محور دانش می‌چرخد. براین اساس، پیشرفت فردی و اجتماعی به صورت فزاینده‌ای با پیشرفت‌های فناورانه گره خورده است (ویارئال و همکاران^۲، ۲۰۲۳). موفقیت به کشوری می‌رسد که مزیت رقابتی خود را از طریق پرورش و نگهداشت نیروی کار ماهر، در دست گرفتن پایگاه پژوهشی رقابتی در سطح جهانی و اصلاح فرایند توسعه دانش در جهت بهره‌مندی کل افراد جامعه حفظ کند. در این میان، آموزش عالی، به منزله عامل حیاتی در راستای نوآوری و توسعه سرمایه انسانی تلقی می‌شود و نقشی محوری در موفقیت و مانایی اقتصاد دانش بر عهده دارد (سام، جمیل و مدزین^۳، ۲۰۲۴). از این رو، در سال‌های اخیر، آموزش عالی جایگاه بسیار مهمی در برنامه‌های کشورهای پیدا کرده است. در تأیید این مطلب، می‌توان به بررسی‌هایی اشاره کرد که سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در مورد سیاست‌های آموزش عالی انجام داده است. در این راستا، آلتاباخ و همکاران^۴ (۲۰۱۹) می‌گویند: «در نیم قرن گذشته، انقلاب علمی در آموزش عالی به وقوع پیوسته که مشخصه بارز آن تحول عظیم از نظر گستردگی و تنوع است». در غرب تا ۴۰ تا ۵۰ سال پیش، آموزش عالی، به‌طور عمده، اشاره به نقش سنتی دانشگاه، یعنی پژوهش داشت (پری‌پور، سرمدی، ناطقی و نایینی، ۱۳۹۹)، اما امروزه، این تصویر، به طور کلی متفاوت شده و نقش کیفیت پر رنگ شده است. برای همین آموزش عالی برای حضور در عرصه‌های رقابت‌های بین‌المللی و توسعه فرصت‌های ملی نیازمند داشتن ویژگی‌های مطلوبی است (اویانگ، ژنگ و لیائو^۵، ۲۰۲۲). از این رو کیفیت آن و شناخت پیشران‌های تاثیرگذار بر کیفیت آموزش عالی به عنوان یک شاخص مهم تلقی می‌شود.

براین اساس اغلب کشورهای جهان برای هماهنگ‌تر کردن نظام‌های آموزش عالی و برنامه‌های دانشگاهی با نیازهای توسعه‌ای و تحولات جهانی، در مطالبه کیفیت و ارتقاء مداوم آن هم‌صدا شده‌اند (برداکچی، یلبای یلماز و دیلک آوسار اوغلو^۶، ۲۰۲۴). حاصل این امر آن بوده که در چند

¹ Shwede

² Villarreal & et al

³ Sam, Jamil & Md Zain

⁴ Altabach et al

⁵ Ouyang, Zheng & Jiao

⁶ Bardakci, Yelbay Yilmaz & Dilek Avsaroglu

سال اخیر تلاشهای قابل توجهی در سطح بین‌المللی برای ارزیابی کیفیت دانشگاه‌ها و سایر مراکز آموزش عالی در برخی کشورهای جهان انجام شده است (ون‌دام^۱، ۲۰۰۲). در سطح ملی نیز نتایج مطالعات پژوهشگران، نشان‌دهنده ضعف سازوکارهای ارزیابی و اعتبارسنجی کیفیت آموزش عالی در کشور است که به مسئله‌ای ملی برای خبرگان و متخصصان تبدیل شده است (راواس^۱، ۲۰۲۴). این در حالی است که تضمین کیفیت و نهاد ملی اعتبارسنجی در آموزش عالی ایران به‌طور درون‌زا نظام نیافته و دانشگاه‌ها چه در پاسخ به التزامات فزاینده اجتماعی و چه به اقتضای وابستگی هر چه بیشتر برنامه‌ها بر پایه دانایی با سیطره سیاست‌های توسعه کمی‌گرایی فزاینده‌ای روبرو شده‌اند (بازرگان، ۱۳۷۴؛ محمدی و همکاران، ۱۳۸۴). از این‌رو، یکی از کانونی‌ترین چالش‌های آموزش عالی کشور در سال‌های اخیر مسئله کیفیت و آشنا نبودن با پیشران‌های آن است. تضمین کیفیت اصطلاحی فراگیر است که به ارزیابی مستمر کیفیت نظام، مؤسسات یا برنامه‌های آموزش عالی مربوط می‌شود و به‌عنوان سازوکاری نظام‌مند با تمرکز بر پاسخگویی و بهبود، براساس ارائه اطلاعات و داوری در فرایندی منسجم و مبتنی بر معیارهای توافق شده، اغلب به‌عنوان بخشی از مدیریت کیفیت آموزش عالی در نظر گرفته می‌شود (میریکو و برویل^۲، ۲۰۲۴). براین اساس تضمین کیفیت آموزش عالی احساس عمومی مشترکی در شرایط رقابتی روزافزون دنیای امروز به‌منظور کاهش عدم اطمینان و پاسخی ضروری به انتظارات، بحث‌ها و پرسش‌های مورد نظر جامعه و دولت درباره فعالیت و عملکرد آموزش عالی است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۳) و انتظار می‌رود که به دستور کار ثابت آموزش عالی تبدیل شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که نظام آموزش عالی و دانشگاه‌ها در کشور ایران از نظر کیفی در سطح مطلوب و قابل قبولی قرار ندارد (پروین و ریگی، ۱۴۰۲). نتایج مطالعات در خصوص اثربخشی این دوره‌ها نشان‌دهنده فقر کیفیت و پایین بودن میزان مطلوبیت این دوره‌هاست (شاه‌رضایی، ۱۳۹۸) و هنوز پس از گذشت چند دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، چارچوب ادراکی معینی برای ارزیابی کیفیت در آموزش عالی وجود ندارد. اگرچه اقداماتی در سطح ارزشیابی درونی در دانشگاه‌ها صورت می‌گیرد، به دلایل زیادی این ارزشیابی‌ها برای دستیابی به سطح مطلوب و قانع‌کننده‌ای از کیفیت نبوده و کافی نیستند. مشکلات یاد شده در حالی خودنمایی می‌کنند که آموزش عالی ایران، چه در پاسخ به تقاضای فزاینده اجتماعی و چه به اقتضای موقوف شدن بیش از پیش هرگونه برنامه

¹ Rawas² Mireku & Bervell

توسعه به دانایی، به‌طور فزاینده‌ای به سمت گسترش کمی سوق یافته است (رجایی و همکاران، ۱۴۰۱؛ ثمری و همکاران، ۱۳۹۲). حال توجه به این مطالب و نظر به تأکید برخی از اسناد بالادستی از جمله نقشه جامع علمی کشور و از آنجا که در دهه گذشته، گسترش دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در کشور بدون توجه به کارکردها، چالش‌های موجود و توجه به مسئله ارتقای کیفیت عوامل دانشگاهی و تعالی آنها صورت گرفته است، این مسئله مهم مطرح می‌شود که با توجه به پیچیدگی‌های نظام دانشگاهی و توسعه آن و نیاز مبرمی که برای استقرار نظام تضمین کیفیت در آموزش عالی احساس می‌شود، کیفیت آموزش عالی و اعتبارسنجی آن تحت تأثیر کدام کلان پیشران‌ها قرار می‌گیرد؟

۲ مبانی نظری تحقیق

تضمین کیفیت و پیشران‌های آن در آموزش عالی: نگرانی مربوط به کیفیت در آموزش عالی موضوع تازه‌ای نیست. دانشگاه‌های قرون وسطی، اجتماعی خودگردان متشکل از بخش‌هایی بودند که کیفیت خود را بهبود می‌بخشیدند. این سنت تا هنگامی که دانشگاه‌ها به‌عنوان مؤسسات خودگردان فعالیت می‌کردند، ادامه یافت تا اینکه آشفتگی‌های پیش آمده در عرصه جهانی و از جمله در قلمرو نظام‌های آموزش عالی، شتاب گرفتن فناوری برتر در ارائه خدمات، لزوم نوآوری‌ها و حفظ توالی در زنجیره فناوری، افزایش تغییرات مداوم مؤلفه‌های رقابت و بالاخره تکثر فزاینده و تنوع نیازمندی‌های متقاضیان و مصرف‌کنندگان نگاهی خاص از منظر فعالیت‌های کیفی و ارزیابی مستمر به سازمان‌ها به‌خصوص نظام‌های آموزش عالی را ضروری ساخته است. بنابراین در طول پنجاه سال گذشته، کیفیت به‌عنوان یکی از موضوعات غالب و دغدغه‌های اصلی مدیریت ظهور کرده و حفظ شده است (بکفورد^۱، ۲۰۰۴). امروزه توافق چندانی در خصوص مفهوم کیفیت آموزش عالی وجود نداشته و رویکردهای مختلفی به کیفیت وجود دارد. ویدویچ و پرتز^۲ (۱۹۹۹) با بررسی مفاهیم مختلف از کیفیت، کیفیت آموزش عالی را ماهیتی پیچیده و بحث‌انگیز دانسته‌اند که برحسب رویکردهای مختلف، معانی گوناگونی به خود می‌گیرد. مثلاً در رویکرد بازارگرا و مشتری‌گرا، کیفیت دانشگاه بر کم و کیف رضایت ذینفعان از برون‌دادهای دانشگاهی و ارتقای ارزش افزوده متمرکز است و در رویکردهای انتقادی به معنای

¹ Beckford

² Vidovich & Porter

تحول و بهبود به کار می‌رود. همچنین آنها در بررسی خود از بافت فرهنگی و اجتماعی مختلف کشورها و به اصطلاح موضوع غالب در آنها به این نتیجه رسیده‌اند که کیفیت بسیار با زمینه مرتبط است و باید به صورت محلی و با در نظر گرفتن فرهنگ و زمینه و شرایط خاص تعریف شود (ویدیویچ و پرتز، ۱۹۹۹). پریساکاریو و شاه^۱ (۲۰۱۶)، کیفیت را مجموع برآیندهای یک دوره به منظور ایجاد سطح خاصی از شایستگی‌های مهارتی همساز با کمینه الزامات و استانداردها و پیشران‌ها قلمداد کرده‌اند. ماک^۲ (۲۰۰۰) ضمن بررسی تعاریف مختلف کیفیت بر معنایی از آن متمرکز شده که به عنوان ارزش افزوده از طریق مقایسه ارزش برون‌دادها با ارزش درون‌دادها سنجیده می‌شوند. مورتیمور و استون^۳ (۱۹۹۰) عناصر هنجاری-نسبی رقابتی و ذاتی کیفیت را مورد توجه قرار داده‌اند و بر این تأکید داشتند که کیفیت در آموزش عالی، عصاره‌ای از ویژگی‌ها یا تعاریف و درجه‌ای از ارزش‌های وابسته یا تشریح چیزی خوب یا عالی و همچنین خصیصه‌ای غیر ممکن است.

در واژه‌نامه تضمین کیفیت و اعتبارسنجی، تضمین کیفیت، اصطلاحی عام برای فرایند مداوم ارزشیابی (ارزیابی، نظارت، حفظ، بهبود و ارتقاء) کیفیت نظام آموزش عالی معرفی شده است (والسانو^۴، ۲۰۰۴). بر اساس این تعریف، گاهی تضمین کیفیت به عنوان زیر مجموعه مدیریت کیفیت و در مواردی مترادف آن است. بررسی متون مختلف در زمینه تضمین کیفیت در آموزش عالی، نشان‌دهنده کثرت و تنوع الگوهای تضمین کیفیت به کار گرفته شده در کشورهای مختلف جهان است. با وجود این تفاضل، الگوهای مذکور دارای ویژگی‌های مشترک و همگن هستند به گونه‌ای که یک مدل عمومی به عنوان مخرج مشترک آنها قابل استخراج است. چای هو^۵ (۲۰۱۱) اشتراکات و افتراقات الگوهای تضمین کیفیت را برحسب تعاریف و ادراکات مختلف از مفهوم کیفیت، پیامدهای راهبردی، پیشران‌ها و کنشگران و ذی‌نفعان دخیل در اداره آموزش عالی، هدف‌ها و کارکردهای نظام تضمین کیفیت (بهبود آموزش و یادگیری، مسئولیت‌پذیری عمومی، اطلاعات مرتبط با مشتری و شفافیت بازار و هدایت نظام آموزش عالی از منظر منابع مالی و برنامه‌ریزی)، روش‌های ارزیابی یا سازوکار کنترل کیفیت برنامه‌ها یا مؤسسات (خودارزیابی به عنوان گامی بسیار اساسی در تمام مراحل ارزیابی، ممیزی بیرونی، فرا

¹ Prisacariu & Shah

² Mok

³ Mortimore & Stone

⁴ Vlasceanu

⁵ Chi Hou

ارزیابی)، نهاد یا واحد مسئول تضمین کیفیت، ماهیت مشارکت داوطلبانه یا اجباری بودن، تمرکز بر تحقیق یا آموزش و یا ترکیبی از هر دو، تمرکز بر برنامه‌ها، رشته یا مؤسسه، رویه گزارش‌دهی به مخاطبان (محرمانه، عمومی و رتبه‌بندی)، دامنه فعالیت‌های پیگیری، فرایندهای تصمیم‌گیری بر مبنای نتایج تضمین کیفیت (بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد و اعتبارسنجی) تبیین کرده است (چای هو، ۲۰۱۱). در این رابطه، نتایج مطالعه تطبیقی هارمن^۱ (۱۹۹۸) در خصوص تضمین کیفیت کشورهای ایالات متحده، اروپای غربی، آمریکای لاتین، ژاپن، چین، هنگ‌کنگ، فیلیپین و آفریقای جنوبی نشان داد که مؤلفه‌های تضمین کیفیت دارای ویژگی‌های کلیدی زیر است: مأموریت، ویژگی نهاد، واحد متولی تضمین کیفیت درون مؤسسه، نحوه مشارکت (اجباری یا داوطلبانه بودن)، روش اجرای تضمین کیفیت (خودپایشی، بررسی همگنان، بازدید از سایت، استناد به شاخص‌های آماری، پیمایش دانشجویان، دانش‌آموختگان، کارفرمایان و نهادهای حرفه‌ای و آزمون‌های فراگیر دانشجویان)، کانون تمرکز (آموزش، پژوهش یا هر دو مؤسسه و نظام ملی)، گزارش‌دهی و در نهایت فعالیت‌های پیگیری.

بازرگان (۲۰۰۲) بنیاد افتراقات موجود در زمینه تضمین کیفیت را بر اساس رهیافت فلسفی که نظام‌های تضمین کیفیت بر آن مبتنی است، تبیین کرده و این رهیافت‌ها را در سه مقوله تجربی-تحلیلی (اثبات‌گرایی-بعد اثبات‌گرایی)، تفسیری-ساخت‌گرایی و انتقادی (پسا ساختارگرایی) تشریح کرده است. در رویکرد تجربی-تحلیلی که بیشتر در ایالات متحده دنبال شده است، پرسش‌های مرتبط با ارزیابی بر اساس استانداردهای از پیش تعیین شده طراحی شده است و نتیجه‌گیری بر اساس شاخص‌های مکی صورت می‌گیرد. در این انگاره، خودپایشی به‌عنوان اصل نهادینه پذیرفته شده است و تیم ارزیاب بیرونی علاوه بر هم‌تایان تخصصی و علمی سایر ذی‌نفعان بیرونی را نیز در بر می‌گیرد و در پایان گزارش نتیجه ارزشیابی و تصمیم‌گیری در خصوص اعطای اعتبار به‌صورت رسمی انجام می‌شود. در رویکرد تفسیری که در اروپا و کشورهای صنعتی استقرار دارد، بر عوامل درونی به جای عوامل بیرونی تأکید شده است. برای همین در این رویکرد، ارزشیابی بر مبنای به رسمیت شناختن الگوهای کیفیت و هدف‌های تصریح شده درون برنامه / مؤسسه اجرا می‌شود. این انگاره، بینشی عمیق‌تر به اجرای پژوهش‌ها و تحلیل داده‌های کیفی دارد و ارزشیابی درونی و بیرونی همچون رویکرد تجربی-تحلیلی انجام می‌گیرد، ولی در منتهی شدن ارزشیابی به تصمیم اعتبارسنجی با اندکی تفاوت

^۱ Harman

نسبت به رویکرد نخست مماشاتی وجود دارد. انگاره انتقادی (پساساختارگرایی) تلاش برای درک رویه‌های توانمندسازی اعضای هیئت علمی به منظور تحول فرایندهای آموزش و پژوهش موجود در راستای نائل شدن به شرایط مورد نظر و مطلوب است. درواقع در این رهیافت تأکید اصلی بر بهبود کیفیت درون‌زا از طریق توانمندسازی و مشارکت ذینفعان مؤسسه است (بازرگان، ۲۰۰۲). حال براساس مطالعات نظری می‌توان پیش‌ران‌های تأثیرگذار بر کیفیت آموزش عالی را بدین صورت بیان نمود:

۱-۲ پیش‌ران‌های درون‌زا: در حوزه پیش‌ران‌های درون‌زا کیفیت، بنیادی‌ترین اندیشه زیربنای مشارکت، پذیرش اصل برابری افراد است. افراد هرگاه در پیوند با یکدیگر از اهمیت و وزن برابر برخوردار شوند مشارکت آنان می‌تواند به «برخاستن و خیز برداشتن» کمک کند و سود و بهره‌مندی‌های بسیار برای همه داشته باشد. اندیشه دیگر آن است که مشارکت، یک فراگرد است نه پیامدی ساکن و ایستا. ناگفته پیداست که مفهوم فراگردی بودن مشارکت را می‌توان به‌صورت «فراگرد نیرومندسازی» نیز عنوان کرد. هر چه تسهیل‌گری در جهت‌گیری‌های دانشگاهی بیشتر باشد، انگیزش دانشگاهیان در ارتقای کیفیت شایستگی‌های یاددهی-یادگیری به‌مراتب بیشتر می‌شود. اساتید و دانشجویان جزو مهم‌ترین طیف‌های دانشگاهی هستند، از این رو ایجاد تعاملات، دادن فرصت و میدان‌های گفت‌وگو و مراودات منجر به ظهور یادگیری همراه با خودتأملی می‌شود. بدون کنش و تعامل دانشگاه با نهادهای محیطی نیز نمی‌توان کیفیت را در دانشگاه‌ها متصور شد. دانشگاه‌ها نیاز به هم‌نوایی و مفاهمه سازمان‌یافته نهادهای حرفه‌ای و غیردولتی در فعالیت‌های خود دارند تا بتوانند انعطاف و انطباق لازم را در برنامه‌ریزی‌های راهبردی خود داشته باشند. دانشگاه را نمی‌توان در انزوا و با تفکر جزیره‌ای مدیریت کرد. همچنین مأموریت‌گرایی از مصادیق سامان‌دهی درون‌زا به نظام آموزش عالی است که صاحب‌نظران آن را از عوامل تأثیرگذار بر کیفیت دانشگاهی برشمرده‌اند (علاوازی^۱، ۲۰۲۴).

۲-۲ پیش‌ران‌های محیطی: در این زمینه تغییرات در نهادهای دولتی و مدیریت حرفه‌ای و شایسته‌گرایی از نکات ارزشمند تأثیرگذار بر کیفیت است. مدیریت کشور از جمله خواسته‌های به‌حق مردم از مسئولان جامعه است. انتخاب افراد شایسته و حرفه‌ای و توجه به اصل شایسته‌سالاری در توزیع قدرت و تقسیم مسئولیت‌ها بین نخبگان جامعه، افزون بر آنکه در

^۱ Alawadhi

ثبات و رشد و پیشرفت مؤثر است از رموز ماندگاری زمامداران به‌شمار می‌آید؛ چراکه رشد فناوری، خلق مزیت رقابتی و توسعه‌یافتگی در سازمان‌ها در بستری به‌نام تدوین راهبرد شایسته‌سالاری بروز می‌کند. همچنین قوانین و مقررات آموزش عالی مقدمه سیاست‌گذاری کیفیت آموزش عالی و تبیین مأموریت‌گرایی دانشگاه است. علاوه بر این منابع مالی نیز به عنوان یک عامل محیطی مهم است. زیرا وابستگی بیش از اندازه دانشگاه به بودجه‌های سرانه و محدود دولتی و تأمین آن با چانه‌زنی سیاسی، زمینه‌های رقابت بر سر کیفیت را از بین می‌برد. وقتی آموزش عالی صرفاً به پاسخگویی سیاسی به تقاضای اجتماعی توده‌ها در یک شکل مستقیم از آموزش عالی رایگان و با الگوی ساده‌ای از عدالت توزیعی، فرو کاسته شود، نقش «شبه به مشتری» ذی‌نفعان در مطالبه کیفیت از دانشگاه موضوعیت پیدا نمی‌کند (ژنگ و همکاران^۱، ۲۰۲۴).

۳-۲ پیشران‌های زیرساختی: عوامل زیرساختی، تنوع و پیچیدگی نیازها و ضرورت جهش کیفی در آموزش و پژوهش، فعالیت‌های میان‌رشته‌ای و چندگرایشی را به ضرورتی راهبردی در نظام علم و فناوری تبدیل کرده است. تمرکز فضایی بر توزیع جغرافیایی درآمدهای دولتی و تخصیص منابع و امکانات به دانشگاه‌ها تأثیرگذار است و نتیجه آن می‌تواند در به وجود آمدن نابرابری‌های ناحیه‌ای متجلی شود. صاحب‌نظران معتقدند مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عامل اصلی در نظام برنامه‌ریزی فیزیکی و فضایی هستند. چون این مؤلفه‌ها در نقاط مختلف کشور به‌صورت همگون و هماهنگ ظاهر نمی‌شوند و برای همین منابع و تجهیزات و امکانات مورد نیاز ذی‌نفعان به‌طور یکسان در تمام نقاط جغرافیایی توزیع نمی‌شوند؛ در نتیجه نابرابری منطقه‌ای افزایش یافته و به شکل‌گیری قطب‌های توسعه در کلان‌شهرها و توزیع و اختصاص نامتعادل منابع به دانشگاه‌ها در سطح کشوری منجر می‌شود. نتیجه این می‌شود که بیشترین امکانات و منابع اطراف کلان‌شهر اصلی و چند شهر بزرگ متمرکز می‌شود و دانشگاه‌های مستقر در این شهرها به‌عنوان ممتازترین دانشگاه‌ها در جهت اخذ بهترین منابع کالبدی و پشتیبانی با برخورداری از بالاترین سطح کیفیت در کشور خودنمایی می‌کنند. متأسفانه عمده‌ترین مشکلات را باید در بینش و نوع نگاه دولت‌مردان و قانون‌گذاران جستجو کرد (فراستخواه، ۱۳۸۹).

¹ Zheng and et al

۲-۴ پیشران زیست محیطی: عوامل زیست محیطی و مقوله دانشگاه پایدار، گستره نوینی برخاسته از انگاره توسعه پایدار و چشم انداز بلندمدت مطلوبی ناظر بر یکپارچگی و تنوع زیستی زیست بومهای محلی و جهانی با توجه به توسعه متوازن اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی جوامع است. می توان گفت دانشگاه پایدار، دانشگاهی است که فلسفه آن مبتنی بر عقلانیت جوهری و تفکر سیستمی است و با بهره گیری از رویکرد میان رشته ای در آموزش و پژوهش، به صورت فراکنشی به شناسایی و حل مشکلات مبتلا به جوامع بشری اقدام می کند و مقصد نهایی آن تحقق توسعه پایدار برای نسل های کنونی و آینده است. توسعه پایدار البته با در نظر گرفتن اولویتهای منطقه ای در آگاهی بخشی و آموزش افراد جامعه نقش مؤثری رو ایفا کند. یکی از اصلی ترین دستگاه های متولی پژوهش دانشگاه است، اما متأسفانه فرهنگ سازی محیط زیست در تحقیقات داخلی خیلی کم رنگ است و آن جایگاه والایی که باید داشته باشد را ندارد. برای همین باید در این حوزه، محورهای پژوهشی را برجسته سازی نمود. باید در کنار سایر عوامل، اهداف پایدار محیطی را به عنوان جزء جدایی ناپذیر در مأموریت های آموزشی و پژوهشی دانشگاهی منعکس کرد. نقش هدایت کنندگی در توسعه آموزش چند رشته ای به منظور کمک به تعیین راه حل های مناسب برای مشکلات مرتبط با توسعه پایدار نیز بر عهده دانشگاه هاست؛ از این رو می توان گفت ارتقای کیفیت در یک نظام آموزشی به توانمندسازی قابلیت های فرد در تمام ابعاد در جهت بهبود رفاه عمومی و ایجاد محیط زیست سالم برای نسل های آینده وابسته است (بهشتی راد، اردلان و فراستخواه، ۱۳۹۷).

۳ روش تحقیق

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و با رویکرد آمیخته و طرح اکتشافی انجام شد. رویکرد پژوهش آمیخته رویکردی است که با انتخاب روش های تحقیق کیفی و کمی مناسب و ترکیب مطلوب آنها حاصل می شود، به طوری که میان هدف پژوهش، شیوه گردآوری داده ها و تحلیل آنها برای پاسخ دادن به سؤال های پژوهش، سازگاری لازم برقرار می شود. در این حالت، علاوه بر واکاوی ابعاد اندازه پذیر پدیده های مورد مطالعه، سایر ابعاد این پدیده ها نیز بررسی می شود. از طرح آمیخته اکتشافی زمانی استفاده می شود که دانسته های پژوهشگر در خصوص پدیده مورد بررسی یا موقعیت نامعین، محدود، نارسا یا غیرقابل اتکا است و پژوهشگر قصد داشته باشد، برای بررسی وضعیت موجود مسئله، به تدوین ابزار اندازه گیری متناسب با آن شرایط پرداخته و در

مرحله بعد به مشاهده متغیرهای کمی بپردازد (بازرگان، ۱۳۸۶). از مهمترین دلایل انتخاب پژوهش آمیخته اکتشافی برای این پژوهش می‌توان به مواردی همچون ابهام‌زدایی، به دست آوردن شواهد بیشتر برای درک عمیق و بهتر پیشران‌های استقرار نظام تضمین کیفیت در آموزش عالی و نبود چارچوب و مدل جامع نیازها و خصوصیات مذکور با توجه به شرایط و مقتضیات نظام آموزشی و لزوم جمع‌آوری اطلاعات اشاره کرد که در دو مرحله کیفی و کمی انجام می‌شود. از این رو در بخش کیفی پژوهش از تحلیل مضمون با استفاده از روش کدگذاری شش مرحله‌ای براون و کلارک (۲۰۰۶) برای پاسخ به سؤالات پژوهش استفاده شد. در این روش که یک تحلیل تفسیری است، پژوهشگر به دنبال تحلیل داده‌های مصاحبه‌های ساختارنیافته به منظور بررسی عمیق دیدگاه کنشگران و کشف مفاهیم ذهنی آنها از طریق شش مرحله (آشنایی با داده‌ها، ایجاد کدهای اولیه، جستجوی کدهای گزینشی، شکل‌گیری موضوعات فرعی، تعریف و نام‌گذاری موضوعات اصلی و تهیه گزارش) است. به عبارت دیگر، تحلیل مضمون تحلیلی مبتنی بر استقرای تحلیلی از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون‌داده‌های و برون‌داده‌های به منظور سنخ‌شناسی است (براون و کلارک، ۲۰۰۶). جامعه مشارکت‌کنندگان این بخش از پژوهش ۱۴ تن از مدیران، متخصصان و خبرگان دانشگاهی در حوزه ارزیابی و استقرار نظام تضمین کیفیت در آموزش عالی هستند که انتخاب آنها به روش هدفمند ملاکی تا رسیدن به اشباع نظری انجام شد. بدین صورت که شرط انتخاب، تمایل به شرکت در پژوهش، دارای کمینه درجه دانشیاری و سابقه مدیریت و فعالیت اجرایی و پژوهشی در حوزه‌های نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت بود چراکه تجربه لازم در این حوزه برای احصاء داده‌های واقعی به پژوهشگران کمک بسزایی کرد. بنابراین در ابتدای هر مصاحبه، ضمن جلب توجه و علاقه‌مند کردن شرکت‌کنندگان به موضوع، در مورد هدف‌های پژوهش توضیحاتی داده شد و ملاک تعیین حجم نمونه رسیدن به اشباع نظری داده‌ها بود؛ بدین معنی که فرایند گزینش نمونه تا جایی ادامه یافت که دیگر هیچ داده جدیدی پدیدار نشد. از این رو در ادامه برای جمع‌آوری داده‌های موردنیاز از مصاحبه کیفی نیمه ساختاریافته استفاده شد. برای اطمینان از کیفیت داده‌های مصاحبه از روش جمع‌بندی و اعلام در انتهای هر جلسه استفاده شد؛ به این نحو که پژوهشگر در انتهای هر جلسه خلاصه و جمع‌بندی صحبت‌ها را به جمع حاضر اعلام می‌کرد. همچنین برای اطمینان بیشتر، ابتدا پروتکل مصاحبه مورد تایید ۴ تن از کارشناسان مرکز نانک وزارت علوم تحقیقات و فناوری قرار گرفت. داده‌های حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها نیز

به ۵ تن از مشارکت‌کنندگان مطلع ارجاع داده شد و پس از اعمال نظرات اصلاحی آنها مورد تایید قرار گرفت.

در بخش کمی پژوهش از روش پیمایش از خبرگان استفاده شد. در این مرحله نیز توزیع پرسشنامه در بین ۷۶ نمونه آماری (کارشناسان و اعضای هیأت نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت مراکز نظارت و ارزیابی وزارت علوم در دانشگاه‌ها) به منظور گردآوری داده‌ها به روش در دسترس انجام شد. به کمک این روش می‌توان حجم مطلوبی از اطلاعات را در مدت زمان مناسبی نسبت به سایر روش‌ها به دست آورد و همچنین دقت و قابلیت اطمینان این روش بالاست و کنترل شرایط به دلیل روش‌های متنوع نمونه‌گیری امکان‌پذیر است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در مرحله کمی، پرسشنامه محقق‌ساخته «پیشران‌های موثر بر استقرار نظام تضمین کیفیت در آموزش عالی» است. این پرسشنامه بر اساس مطالعه مبانی نظری، پیشینه پژوهشی و به ویژه داده‌های حاصل از مرحله کیفی تنظیم شد که روایی آن از طریق بررسی توسط ۷ خبره و پایایی آن نیز از طریق آلفای کرانباخ ۰/۸۷ محاسبه شد. در نهایت برای تحلیل داده‌های به دست آمده بخش کیفی از روش تحلیل مضمون استفاده شد؛ به این ترتیب که پژوهشگر مصاحبه‌ها را پس از ضبط روی فایل صوتی به نوشتار تبدیل کرد و به خواندن و بازخوانی مکرر متن هر یک از مصاحبه‌ها پرداخت و پس از تحلیل داده‌ها و کدگذاری با هدف فهم و آشکارسازی آنچه که داده‌ها خوانده می‌شود به سه دسته ۱. مفاهیم پایه، ۲. مفاهیم سازمان‌دهنده ۳. مفاهیم فراگیر طبقه‌بندی کرد. همچنین داده‌های بخش کمی نیز از طریق آزمون فریدمن محاسبه شد؛ به این صورت که بعد از تبدیل کدهای تحلیل شده مرحله کیفی به کمی از خبرگان درخواست شد تا براساس تعیین اعتبار گویه‌های به دست آمده نظرات خود را ارائه دهند. از این رو به منظور محاسبه این نسبت از نظرات کارشناسان متخصص در زمینه محتوای آزمون مورد نظر استفاده شد. ابتدا اهداف آزمون برای خبرگان توضیح داده شد و تعاریف عملیاتی مربوط به محتوای سؤالات بیان شد. سپس از آنها خواسته شد تا هر یک از سؤالات را بر اساس طیف پنج‌بخشی لیکرت با هدف تعیین اولویت طبقه‌بندی کنند.

۴ یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از تحلیل داده‌های این بررسی را می‌توان در چهار زمینه و مفهوم فراگیر متفاوت در هر دو بخش کیفی و کمی طبقه‌بندی کرد. مولفه‌های اصلی این طبقه‌بندی کلی خود دارای زیرمولفه‌های قابل تأملی هستند. چهار مفهوم فراگیر اصلی حاصل که چهارچوبی برای ارائه یافته‌ها فراهم می‌کنند در ادامه به تفصیل بیان خواهند شد.

جدول ۱. مفاهیم پایه استخراج شده از متن مصاحبه

ردیف	کد باز	فراوانی	کد مصاحبه‌شوندگان
۱	داشتن سیستم ارزشیابی مدون از فرایند برنامه‌ها	۵	۰۱۰۳۰۸۰۷۰۹
۲	روحیه به خلق امور نوپدید تغییر خود و محیط در جهت مطلوب	۱۰	۰۳۰۷۰۶۰۱۰۲۰۸۰۹۱۱۱۳۱۴
۳	مدیریت تغییر و ترغیب نوآوری	۲	۱۰۰۳۰۲۰۱۰۸۰
۴	بهره‌گیری از ظرفیت‌های بومی	۳	۰۸۰۹۰۱۰۱۰
۵	توسعه دموکراسی و ترویج الگوهای مشارکت جویانه	۴	۰۱۰۲۰۷۰۰۶
۶	بازتعریف در ساختار اداری گروه‌ها و دانشکده‌ها با تاکید بر تعامل و کنشگری	۱۰	۱۰۰۷۰۱۰۲۰۶۰۵۰۸۰۹۱۱۱۳۱۴
۷	آموزش پژوهش‌محور و مبتنی بر حل مساله	۶	۰۶۰۳۰۸۰۷۰۹۰۰۱
۸	ماوریت‌گرایی و تخصصی عمل کردن استادان	۱۱	۰۱۰۲۰۳۰۶۰۷۰۸۰۹۱۰۱۱۱۳۱۴
۹	پاسخ‌دهی به نیازهای اجتماعی و ذی‌نفعان جوامع آکادمیک	۶	۰۱۰۲۰۳۰۷۰۸۰۰۹
۱۰	نگاه متوازن به رشد کیفی در کنار رشد کمی	۵	۰۹۰۷۰۱۰۶۰۰۸
۱۱	وجود برنامه‌های راهبردی برای توسعه حرفه‌ای دانشگاهی	۵	۰۱۰۲۰۶۰۳۰۰۹
۱۲	بهبودی حرفه‌ای و توانمندسازی کنشگران دانشگاهی	۴	۰۱۰۲۰۹۰۰۷
۱۳	سازمان‌یابی جذب نخبگان در سیستم دانشگاهی با هدف عبور از فرار مغزها به چرخش مغزها	۴	۰۱۰۲۰۶۰۰۹
۱۴	لزوم تعادل و توازن در شاخص‌های کارایی درونی	۵	۰۲۰۱۰۶۰۹۰۰۸
۱۵	توسعه جو سازمانی حامی تغییر	۶	۰۳۰۲۰۱۰۶۰۸۰۰۵

ردیف	کد باز	فراوانی	کد مصاحبه‌شوندگان
۱۶	میانگین عمر خدمت	۸	۰۲۰۳۰۷۰۵۰۶۰۸۰۹۰۱۲
۱۷	پیوستگی برنامه‌ها و قوانین	۳	۰۲۰۳۰۶
۱۸	خودداری از اختلافات سیاسی و حزبی در برنامه‌ریزی راهبردی دانشگاه	۶	۰۳۰۱۰۲۰۸۰۹۰۱۷
۱۹	سیاست‌زدگی و نبود ثبات در سیاست‌گذاری‌های آموزشی	۴	۰۱۰۲۰۳۰۹
۲۰	استقلال آکادمیک و شفافیت تفویض اختیار به دانشگاه‌های توانمند	۲	۰۲۰۹
۲۱	پایداری سیاسی در کشور	۴	۰۳۰۱۰۶۰۹
۲۲	نسبت روسای دانشگاهی منتخب استادان به کل روسا در کشور	۱۱	۰۲۰۲۰۷۰۶۰۵۰۸۰۱۰۱۱۰۱۴
۲۳	پرهیز از جریان‌های حزبی و قومی در انتصاب و به‌کارگیری مدیران دانشگاهی	۲	۰۳۰۸
۲۴	نبود سیاست‌زدگی در پست ریاست دانشگاه	۵	۰۳۰۲۰۹۰۱۱۰۱۰
۲۵	ضرورت ثبات در اجرایی کردن مقررات	۳	۰۳۰۲۰۱
۲۶	سهم شاخص‌های دولتی در تضمین مقیاس مالی دانشگاه	۶	۰۶۰۱۰۵۰۷۰۹۰۱۳
۲۷	درصد درآمدهای اختصاصی دانشگاه به کل اعتبارات در سال	۳	۰۶۰۸۰۱۰
۲۸	درصد درآمد حاصل از قرارداد با شرکت‌ها و سازمان‌های کسب‌وکار اجتماعی-فرهنگی نسبت به کل منابع	۹	۰۶۰۲۰۷۰۵۰۸۰۹۰۱۰۳۰۱۴
۲۹	میزان کنترل اجتماعات پژوهشگران از سوی نهادهای دولتی	۴	۰۶۰۲۰۸۰۹
۳۰	سهم سیاست‌های مداخله‌ای-ارزشی نهاد دولت و عوامل قانون‌گذار در معیارگذارهای آموزش عالی	۵	۰۳۰۱۰۶۰۹۰۸
۳۱	وجود ذهنیت کارآفرینی در پژوهش‌های دانشگاهی و تغییر ماهیت دانشگاه از دانشگاه سنتی به دانشگاه کارآفرین	۱	۰۶
۳۲	تعامل میان برنامه‌های کلان آموزش عالی و سیستم‌های اقتصادی	۵	۰۶۰۸۰۹۰۱۰۱۱
۳۳	حمایت و توجه به حقوق مالکیت فکری	۲	۰۶۰۱

ردیف	کد باز	فراوانی	کد مصاحبه‌شوندگان
۳۴	تجاری‌سازی نتایج پژوهشی با تاکید بر پژوهش‌های کاربردی به جای پژوهش‌های بنیادی	۴	۰۶،۰۷،۰۱،۰۹
۳۵	تغییر ماموریت دانشگاه‌ها از توزیع دانش به تولیدکننده دانش	۳	۰۷،۰۸،۰۹
۳۶	ایجاد شرکت‌های زایشی و انشعابی و سهم درآمد پژوهش‌های کاربردی به کل هزینه‌های دانشگاهی	۶	۰۸،۰۳،۰۷،۱۲،۰۹،۱۴
۳۷	تغییر بنیادین ساختارهای دانشگاهی در جهت هم‌سنجی با رویکرد قواعد شرکتی و بنگاه	۱	۰۷
۳۸	زمینه‌های اقتصادی- اجتماعی دانشجویان به عنوان عامل سوق‌دهنده یا بازدارنده در دسترسی به آموزش	۱	۰۸
۳۹	رشد شهرنشینی، مهاجرت و افزایش جمعیت دانشجویان	۲	۰۸
۴۰	تحول در مشارکت و تغییر جمعیت‌شناختی متقاضیان	۴	۰۸،۰۳،۰۹،۱۱
۴۱	افزایش تنوع قومی، نژادی و اجتماعی دانشجویان	۳	۰۵،۰۷،۰۸
۴۲	تفاوت در نرخ مشارکت جنسیتی در آموزش عالی	۴	۰۸،۰۷،۰۶،۰۹
۴۳	افزایش روزافزون تقاضای زنان برای آموزش‌های دانشگاه	۴	۰۸،۰۳،۰۷،۰۹
۴۴	جهانی شدن یا بین‌المللی‌گرایی آموزش عالی	۷	۰۸،۰۳،۰۵،۰۷،۰۹،۱۲،۱۴
۴۵	دیپلماسی فرهنگی و ارتباط با مراکز علمی بین‌المللی و همکاری‌های مشترک پژوهشی	۲	۰۴،۰۸،
۴۶	توسعه ایده‌های پژوهشی در پایگاه‌های علمی و ارتباط دانشگاه با آن	۱	۰۸
۴۷	شاخص سرزمینی مکان استقرار دانشگاه	۳	۰۳،۰۵،۱۱
۴۸	فضا و جغرافیای منطقه و محل	۳	۰۲،۱۰،۰۶
۴۹	امکان‌سنجی بری توسعه فعالیت‌های آموزشی-پژوهشی و خدماتی	۳	۰۳،۱۱،۱۰
۵۰	تدوین برنامه راهبردی در جهت توسعه رویکرد میان‌رشته‌ای	۴	۰۸،۰۷،۰۳،۰۹

ردیف	کد باز	فراوانی	کد مصاحبه‌شوندگان
۵۱	بازنگری در رشته‌های دانشگاهی	۵	۰۵۰۶۰۷۰۸۰۰۹
۵۲	مطرح بودن پارک‌ها و مراکز رشد علم و فناوری به عنوان رابط و تسهیلگر دانشگاه و صنعت	۴	۰۲۰۰۹۰۱۰۰۱۱
۵۳	گذر از دانشگاه‌های نسل اول به نسل سوم	۴	۰۵۰۷۰۸۰۰۹
۵۴	عاملیت و عینیت‌بخشی به فناوری	۲	۰۵۰۷۰۱۵
۵۵	تغییر مدل‌های یادگیری و آموزشی سنتی به مدل‌های یادگیری نوین	۱	۰۵۰۱۴
۵۶	هدف‌مندی‌سازی برنامه‌های درسی در راستای تولید دانش زیست محیطی با رویکرد بوم‌شناسی زیست محیطی	۵	۰۵۰۶۰۷۰۸۰۰۹
۵۷	نیازسنجی و امکان‌سنجی ظرفیت‌های توسعه دانشگاهی همسو با مشکلات زیست‌محیطی با توجه به بافت منطقه در جهت زیست‌بوم محیطی پایدار	۲	۰۵۰۶۰۱۳

در جدول ۱ برای شناسایی پیشران‌های تاثیرگذار بر کیفیت نظام آموزش عالی ایران از برون‌دادهای مصاحبه، از روش تحقیق کیفی تحلیل مضمون استفاده شد. براساس یافته‌های تحقیق، مهمترین پیشران‌های تاثیرگذار بر کیفیت نظام آموزش عالی ایران مشتمل بر ۵۷ نقل قول نزدیک به هم و به تبع آن دارای ۵۷ مضمون پایه‌ای بوده است که شرح تفصیلی نقل قول‌ها و مضامین پایه‌ای استخراج شد. در این مرحله از تحلیل مضمون، پس از سازماندهی مضامین، مضمون‌های مربوط به پیشران‌های نامبرده برابر جدول ۱ احصاء شد.

جدول ۲. مفاهیم پایه و سازمان‌دهنده و فراگیر استخراج‌شده از متن مصاحبه‌ها

ردیف	مفاهیم پایه (اولیه)	مفاهیم سازمان‌دهنده	مفاهیم فراگیر
۱	داشتن سیستم ارزشیابی مدون از فرایند برنامه‌ها	اقدام به برنامه‌ریزی مشارکتی	بهره‌گیری از ظرفیت‌های بومی توسعه دموکراسی و ترویج الگوهای مشارکت جوانه

پیشران درون‌زا	<p>۲ مدیریت تغییر و ترغیب نوآوری</p> <p>گرایش به خلق امور نوپدید تغییر خود و محیط در جهت مطلوب</p> <p>بازتعریف در ساختار اداری گروه‌ها و دانشکده‌ها با تاکید بر تعامل و</p> <p>مدون بودن سیستم</p> <p>مدیریت</p> <p>کنشگری</p>
مساله‌یابی و گشایش آن	<p>۳ آموزش پژوهش‌محور و مبتنی بر حل مساله</p> <p>ماوریت‌گرایی و تخصصی عمل کردن استادان در حوزه‌های</p> <p>پژوهشی و آموزشی</p> <p>پاسخ‌دهی به نیازهای اجتماعی و ذی‌نفعان جوامع آکادمیک</p>
گسترش آموزش عالی	<p>۴ نگاه متوازن به رشد کیفی در کنار رشد کمی</p> <p>وجود برنامه‌های راهبردی برای توسعه حرفه‌ای دانشگاهی</p> <p>بهسازی حرفه‌ای و توانمندسازی کنشگران دانشگاهی</p> <p>سازمان‌یابی جذب نخبگان در سیستم دانشگاهی با هدف عبور از</p> <p>فرار مغزها به چرخش مغزها</p> <p>لزوم تعادل و توازن در شاخص‌های کارایی درونی</p> <p>توسعه جو سازمانی حامی تغییر</p>
پیشران محیطی	<p>۵ میانگین عمر خدمت</p> <p>پیوستگی برنامه‌ها و قوانین</p> <p>خودداری از اختلافات سیاسی و حزبی در برنامه‌ریزی راهبردی</p> <p>تغییرات در نهادها</p> <p>دانشگاه</p> <p>سیاست‌زدگی و نبود ثبات در سیاست‌گذاری‌های آموزشی</p> <p>استقلال آکادمیک و شفافیت تفویض اختیار به دانشگاه‌های</p> <p>توانمند</p> <p>پایداری سیاسی در کشور</p>

۶	نسبت روسای دانشگاهی منتخب استادان به کل روسا در کشور خودداری از جریانانات حزبی و قومی در انتصاب و به‌کارگیری مدیران دانشگاهی نبود سیاست‌زدگی در پست ریاست دانشگاه	داشتن مدیریت حرفه‌ای و شایسته‌سالاری
۷	صراحت در قوانین و مقررات توسعه آموزش عالی و وجود شاخص‌های لازم در توزیع منابع ضرورت در یکپارچگی در گسترش و توسعه برنامه‌ریزی دانشگاه در سطوح ملی و بین‌المللی ضرورت ثبات در اجرایی کردن مقررات	قوانین مقررات دانشگاهی
۸	سهم شاخص‌های دولتی در تضمین مقیاس مالی دانشگاه درصد درآمدهای اختصاصی دانشگاه به کل اعتبارات در سال درصد درآمد حاصل از قرارداد با شرکت‌ها و سازمان‌های کسب‌وکار اجتماعی-فرهنگی نسبت به کل منابع میزان کنترل اجتماعات پژوهشگران از سوی نهادهای دولتی سهم سیاست‌های مداخله‌ای-ارزشی نهاد دولت و عوامل قانون‌گذار در معیارگذارهای آموزش عالی	بودجه دولتی
۹	وجود ذهنیت کارآفرینی در پژوهش‌های دانشگاهی و تغییر ماهیت دانشگاه از دانشگاه سنتی به دانشگاه کارآفرین تعامل میان برنامه‌های کلان آموزش عالی و سیستم‌های اقتصادی حمایت و توجه به حقوق مالکیت فکری	کارآفرینی آموزش عالی
۱۰	تجاری‌سازی نتایج پژوهشی با تاکید بر پژوهش‌های کاربردی به جای پژوهش‌های بنیادین تغییر ماموریت دانشگاه‌ها از توزیع دانش به تولیدکننده دانش ایجاد شرکت‌های زایشی و انشعابی و سهم درآمد پژوهش‌های کاربردی به کل هزینه‌های دانشگاهی	تقویت نقش اقتصادی آموزش

	تغییر بنیادین ساختارهای دانشگاهی در جهت هم‌سنجی با رویکرد قواعد شرکتی و بنگاه	
۱۱	زمینه های اقتصادی-اجتماعی دانشجویان به عنوان عامل رشد شهرنشینی، مهاجرت و افزایش جمعیت دانشجویان تحول در مشارکت و تغییر جمعیت‌شناختی متقاضیان	روند تغییر جمعیت سوق‌دهنده یا بازدارنده در دسترسی به آموزش
۱۲	افزایش تنوع قومی، نژادی و اجتماعی دانشجویان تفاوت در نرخ مشارکت جنسیتی در آموزش عالی افزایش روزافزون تقاضای زنان برای آموزش‌های دانشگاه	روند مشارکت دانشجویان زنان در دانشگاه
۱۳	جهانی شدن یا بین‌المللی‌گرایی آموزش عالی دیپلماسی فرهنگی و ارتباط با مراکز علمی بین‌المللی و همکاری‌های مشترک پژوهشی توسعه ایده های پژوهشی در پایگاه های علمی و ارتباط دانشگاه با آن	گسترش همکاری‌های بین‌المللی
۱۴	شاخص سرزمینی مکان استقرار دانشگاه فضا و جغرافیای منطقه و محل	ساختار فیزیکی پیشران‌های زیرساختی
۱۵	امکان سنجی بری توسعه فعالیت‌های آموزشی-پژوهشی و خدماتی تدوین برنامه راهبردی در جهت توسعه رویکرد میان‌رشته‌ای بازنگری در رشته‌های دانشگاهی	زیرساخت اداری لازم جهت توسعه دانشگاهی
۱۶	مطرح بودن پارک‌ها و مراکز رشد علم و فناوری به عنوان رابط و تسهیلگر دانشگاه و صنعت گذر از دانشگاه‌های نسل اول به نسل سوم عاملیت و عینیت‌بخشی به فناوری تغییر مدل‌های یادگیری و آموزشی سنتی به مدل‌های یادگیری نوین	پشتیبانی‌های فناوری اطلاعات

۱۷	هدفمندسازی برنامه‌های درسی در راستای تولید دانش زیست- محیطی با رویکرد بوم‌شناسی زیست محیطی	توجه به زمینه‌های توسعه پایدار در آموزش عالی	پیشران زیست محیطی
	نیازسنجی و امکان‌سنجی ظرفیت‌های توسعه دانشگاهی همسو با مشکلات زیست‌محیطی با توجه به بافت منطقه در جهت زیست‌بوم محیطی پایدار		

همانگونه که داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهد، تفسیر مفاهیم پایه‌ای به مفاهیم سازمان‌دهنده و فراگیر مبین آن است که پیشران‌های تاثیرگذار بر کیفیت نظام آموزش عالی ایران شامل ۵۷ مفهوم پایه‌ای، ۱۷ مفهوم سازمان‌دهنده و ۴ مفهوم فراگیر می‌باشد. براین اساس تصریح شد که اولین مفهوم فراگیر یعنی پیشران‌های درون‌زا شامل ۴ مفهوم سازمان‌دهنده؛ اقدام به برنامه‌ریزی مشارکتی، مدون بودن سیستم مدیریت، مساله‌یابی و گشایش آن و گسترش آموزش عالی است که مفاهیم پایه یا اولیه هر یک در جدول فوق آورده شده است. همچنین مشخص شد دومین مفهوم فراگیر یعنی پیشران‌های محیطی نیز شامل ۹ مفهوم سازمان‌دهنده است که به ترتیب عبارتند از تغییرات در نهادها، داشتن مدیریت حرفه‌ای و شایسته‌سالاری، قوانین و مقررات دانشگاهی، بودجه دولتی، کارآفرینی آموزش عالی، تقویت نقش اقتصادی آموزش، روند تغییر جمعیت، روند مشارکت دانشجویان زنان در دانشگاه و گسترش همکاری‌های بین‌المللی که به مانند مفهوم قبلی مفاهیم پایه یا اولیه آن تک به تک در جدول مربوطه آورده شده است. سومین مفهوم فراگیر یعنی پیشران‌های زیرساختی نیز شامل ۳ مفهوم سازمان‌دهنده ساختار فیزیکی، زیرساخت اداری لازم جهت توسعه دانشگاهی و پشتیبانی‌های فناوری اطلاعات است. در نهایت پیشران زیست‌محیطی نیز به عنوان چهارمین مفهوم فراگیر شامل ۱ مفهوم سازمان‌دهنده «توجه به زمینه‌های توسعه پایدار در آموزش عالی» است.

جدول ۳. اولویت‌بندی پیشران‌های موثر بر استقرار نظام تضمین کیفیت در آموزش عالی با

استفاده از آزمون فریدمن

متغیرها	تعداد	میان	رتبه	درجه آزادی	مقدار کای اسکوتز	سطح معنی‌داری
پیشران درون‌زا	۷۶	۴۰.۵۷	۳.۸۴	۳	۱۵۵.۴۶۸	۰.۰۰۰
پیشران محیطی	۷۶	۲۶.۲	۲.۷۶			

پیشران‌های زیرساختی	۷۶	۲۱.۱۹	۲.۰۰
پیشران زیست- محیطی	۷۶	۱۶.۵۷	۱.۰۸

با توجه به جدول ۳ نتایج آزمون فریدمن، نشان می‌دهد بین پیشران‌های موثر بر استقرار نظام تضمین کیفیت در آموزش عالی تفاوت معناداری در سطح ۰/۹۵ وجود دارد. با توجه به مقدار میانگین رتبه‌ها بیشترین مقدار به بیان یافته‌ها، پیشران‌های درون‌زا (۳/۸۴) و پس از آن به ترتیب پیشران محیطی (۲/۷۶)، پیشران‌های زیرساختی (۲/۰۰)، و پایین‌ترین پیشران نیز پیشران زیست‌محیطی (۱/۰۸) گزارش شده است.

۵ بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مطالعه اکتشافی پیشران‌های تاثیرگذار بر کیفیت نظام آموزش عالی ایران انجام شد. یافته‌های به دست آمده از بخش کیفی پژوهش نشان داد مهم‌ترین پیشران‌های تاثیرگذار بر کیفیت نظام آموزش عالی ایران شامل ۵۷ مفهوم پایه‌ای، ۱۷ مفهوم سازمان‌دهنده و ۴ مفهوم فراگیر می‌باشد. براین اساس تصریح شد که اولین مفهوم فراگیر یعنی پیشران‌های درون‌زا شامل ۴ مفهوم سازمان‌دهنده «اقدام به برنامه‌ریزی مشارکتی»، «مدون بودن سیستم مدیریت»، «مساله‌یابی و گشایش آن» و «گسترش آموزش عالی» است که با نتیجه پژوهش عباس‌پور و همکاران (۱۳۹۳) همسویی دارد. این پژوهشگران در پژوهش خود در راستای راهبردهای پاسخگویی دانشگاه‌ها، الگوهای مشارکت‌جویانه ذی‌نفعان را به عنوان یکی از راهکارهای کلیدی برشمردند. از نظر آنها تصمیم‌گیری بر اساس تصمیم‌سازی، مهم‌ترین رویکرد آموزش عالی است و رؤسای دانشگاه‌ها باید در اداره دانشگاه‌ها نظام تصمیم‌سازی مبتنی بر خرد جمعی را به وجود آورند و از توانایی فکری و معرفتی کل نظام در راستای ایجاد انگیزه بهره بگیرند. اگر امور دانشگاه با نظرات هیئت علمی اجرا شود، مدیریت دانشگاه نیز احساس قدرت بیشتری می‌کند؛ بنابراین در چارچوب قانون، رجوع به نظرات هیئت علمی ضروری است. از دیگر یافته‌های پژوهش در این زمینه توسعه موزون آموزش عالی از بُعد کمی و کیفی است. از دیدگاه گیبونز (۲۰۰۰) امکان مفهوم‌سازی توسعه آموزش عالی به شیوه‌های مختلف وجود دارد به گونه‌ای

که می‌توان آن را با شیوه جدید تولید دانش و توده‌ای شدن آموزش عالی از حیث کمی، همگرا دانست. بنابراین در کشورهای صنعتی، توده‌ای شدن آموزش عالی، بیانگر شیوه‌ای موزون از توسعه آموزش عالی است؛ زیرا نه تنها یادگیری و فعالیت‌های تولید دانش را افزایش می‌دهد، بلکه آن را به‌گونه‌ای موزون بین نهادهای مختلف اجتماعی - اقتصادی در بخش‌های خصوصی و عمومی در گستره مرزهای جغرافیایی گوناگون توزیع می‌کند. از این رو مهم‌ترین ویژگی توسعه آموزش عالی در کشورهای صنعتی، توزیع اجتماعی دانش باکیفیت در طیف گسترده‌ای از افراد و نهادهاست که با یافته‌های پژوهش حاضر همسو است. یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در تضمین کیفیت دانشگاهی از بُعد توسعه دانشگاهی، تأکید بر جذب نخبگان و چرخش مغزها به جای فرار مغزهاست. بدیهی است که رکن دانش و نقش آن در توسعه، وابستگی جدی به نخبگان علمی دارد و درگیر کردن آنها به امور علمی، سرعت رسیدن به توسعه را افزایش داده و زمان دستیابی به آن را کاهش می‌دهد. این قسمت از یافته‌های پژوهش با نتایج مطالعات فراستخواه (۱۳۹۴) همسو است. یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش در خصوص شکل‌دهنده‌های تضمین کیفیت آموزش عالی، استقلال آکادمیک و تفویض اختیار به دانشگاه‌های توانمند بود. از نظر روسکا و پانسکو^۱ (۲۰۱۰) تصدی‌گری و تولی‌گری نظام‌های سیاسی قانون‌گذار ناکارآمد در معیارگذاری - های آموزش عالی و نبود سیاست تمرکززدایی و ضرورت نداشتن تنظیم اشکال جدیدی از برنامه‌های آموزشی جایگزین به جای برنامه‌های آموزشی سنتی یکی از چالش‌های پیش روی نظام‌های آموزش عالی است. هرچند وعده کاهش میزان تصدی‌گری دولت در آموزش عالی و احیای استقلال و کاهش تمرکزگرایی از ابتدای دولت یازدهم مطرح بوده است (روشن، ۱۳۹۴). بنابراین، آزادی علمی و استقلال دانشگاهی و دانشگاهیان به‌عنوان یک اصل برای توسعه علمی جدی و هنجارهای علم‌ورزی و ابعاد حرفه‌ای مدیریت دانشگاهی باید به رسمیت شناخته شود. دولت‌ها در همه جای دنیای تنها کاری که می‌کنند، تسهیل‌گری و حمایت از دانشگاه بدون هیچ مداخله‌ای در مدیریت و برنامه‌های آنهاست. اجماع کلی بر این است که دانشگاهیان، ذیصلاح‌ترین قشری هستند که می‌توانند کیفیت خود را ارتقا بدهند و خود را به ترازهای دنیای جهانی شده امروز برسانند، به شرط اینکه کار آنها به خودشان واگذار شود تا در شرایط رقابتی بتوانند از پویایی‌ها و ابتکارات درون‌زایشان بهره بگیرند. این دستاورد با پژوهش بردهل^۲ (۱۹۹۰) همسویی دارد که استدلال کرد امروزه دانشگاهیان و استادان دانشگاه‌ها متخصصان امر آموزش و پژوهش به شمار می‌روند و شایسته‌ترین افراد برای تصمیم‌گیری در خصوص برنامه‌ریزیهای توسعه

دانشگاهی و مشکلات مرتبط با پژوهش و مسائلی که نیاز به بررسی بیشتر دارند محسوب می‌شوند، لذا در مدیریت امور و سازوکارهای آن باید استقلال اساسی داشته باشند.

همچنین مشخص شد دومین مفهوم فراگیر یعنی پیشران‌های محیطی نیز شامل ۹ مفهوم سازمان‌دهنده است که به ترتیب عبارتند از؛ تغییرات در نهادها، داشتن مدیریت حرفه‌ای و شایسته سالاری، قوانین مقررات دانشگاهی، بودجه دولتی، کارآفرینی آموزش عالی، تقویت نقش اقتصادی آموزش، روند تغییر جمعیت، روند مشارکت دانشجویان زنان در دانشگاه و گسترش همکاری‌های بین‌المللی که لات^۲(۲۰۱۷) تأمین زیاده از حد دانشگاه از طریق بودجه دولتی و نداشتن قانون و مقررات شفاف را مهم‌ترین مانع تحقق آزادی علمی دانسته است. به نظر وی، میان آزادی علمی و تأمین بودجه صرفاً از طریق دولت نوعی تناقض وجود دارد. مدیران یک چنین دانشگاهی ممکن است شعارهای بلند و بالای استقلال و آزادی را تکرار کنند، ولی در عمل اتفاق دیگری می‌افتد. تاسکر^۳(۲۰۱۸) نیز وابستگی دانشگاه‌ها به بودجه دولتی را در دنیای رقابتی که به صورت مداوم، محدودیت منابع به‌منزله مشکلی اساسی خود را نشان می‌دهد، خطر بزرگی برای آینده دانشگاه‌ها و آزادی علمی آنها می‌داند (فراستخواه، ۱۳۸۹). از دیدگاه اقتصاد آموزش عالی، دانشگاهی که بیش از اندازه به بودجه‌های مستقیم دولتی آن هم در شکل نفتی وابسته باشد، چندان انتظار نمی‌رود که نقش کارآفرینانه‌ای را در پیش بگیرد. برعکس در الگوی رقابتی از عرضه و تقاضا احتمال بیشتری دارد که آموزش عالی به کارآفرینی سوق بیابد (آپکرفت و مور^۲، ۱۹۹۰).

کارآفرینی دانشگاهی نیز از دیگر عوامل اصلی است که مصاحبه‌شوندگان مطرح کرده‌اند. امروز، انگاره نوین کارآفرینی و اهمیت اقتصادی دانش و کاربردی کردن نتایج آن در جهت حل ابتلائات بشری بر کسی پوشیده نیست. به همین دلیل، تلاش در سراسر جهان برای ترویج روابط نزدیک‌تر بین آموزش عالی و صنعت برای پیشبرد نظام‌های آموزش عالی دولتی به سمت نیازهای روز صنعت، بیش از پیش احساس می‌شود. در کشورهایمانند ایران، تجاری نبودن نتایج پژوهش‌ها و ضعف بازار و عملکرد نامناسب بخش خصوصی، نبودن زنجیره پژوهش، کیفیت نداشتن برون‌دادهای پژوهشی و فناوری، توسعه، محدود بودن نوآوری و تغییرات فناوری در سطح ملی از مهم‌ترین چالش‌های بخش تولید علم و توسعه فناوری است. ادامه وضع موجود موجب می‌شود از نتایج پژوهش‌های علمی به نحو مطلوب استفاده نشود و بخش‌های دولتی و غیر دولتی، انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری در این زمینه نداشته باشند. عنایت‌الله و میلایووج^۳(۲۰۱۴) تشکیل جلسات

مشترک با هدف تفاهم بین دانشگاه و صنعت با تأکید بر تجاری‌سازی پژوهش‌های دانشگاهی و هم‌افزایی اجتماعات یادگیری را از پیشران‌های کلیدی تأثیرگذار در چشم‌انداز آینده دانشگاه متصور شدند. زارع و حجازی (۱۳۹۰) در پژوهشی ضعف کارآفرینی دانشگاهی و زیرساخت‌های انکوباتورها را ناشی از شفاف نبودن مقررات و خط‌مشی‌های سازمانی دانستند. نتایج پژوهش آنها نشان داد تعدیل و اصلاح در قوانین و خط‌مشی دانشگاه‌ها در زمینه نحوه توزیع درآمد از تجاری‌سازی دانش، از محل شرکت‌های زایشی دانشگاهی در راستای ایجاد انگیزه در استادان برای درگیر شدن در این فرایند می‌تواند بسیار مؤثر باشد و این امر را تسهیل کند؛ بنابراین توجه به زیرساخت‌های لازم در انکوباتورها از جمله مواردی است که باید دانشگاهیان و متخصصان آموزشی به آن توجه ویژه داشته باشند و می‌تواند مسئولیت دانشگاه و دانشگاهیان را در قبال مسئله کیفیت دوچندان کند.

بین‌المللی شدن آموزش عالی از دیگر مضمون‌های پدیدار شده در نظرات مصاحبه‌شوندگان بود. یونسکو، بین‌المللی شدن را جزئی از چرخه زندگی دانشگاه‌ها می‌داند و معتقد است که امروزه دانشگاه‌ها در دوره‌ای از زندگی خود قرار دارند که باید برای بقای حیات خود در مرحله جهانی شدن قرار بگیرند. بلس و همکاران^۱ (۲۰۱۰) در «چشم‌انداز ۲۰۳۵: آینده بخش آموزش عالی در انگلستان» خلق دانش پیشرو، دانش پاسخگو، جهانی شدن و مواجهه فرا کنشی با تغییرات، اختلاط‌های منطقه‌ای یا محلی را به‌عنوان پیشران‌های اثرگذار بر آموزش عالی عنوان کردند. پاپسکیو^۲ (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای با عنوان «راهبردهای جهانی شدن و آموزش عالی در آفریقای جنوبی»؛ جهانی شدن و بین‌المللی‌گرایی، ایجاد دانشگاه فراملی و فرامرزی، افزایش شفافیت و شبکه‌های دموکراتیزه جهانی در نظام‌های آموزش عالی و ایجاد همکاری متقابل با ذی‌نفعان و هم‌تایان داخلی و خارجی در نظام آموزش عالی را به‌عنوان انقلاب پیچیده و یکی از محرکان روندهای اصلی تغییر و شکل‌دهی در نظام‌های آموزشی در سطح جهانی مطرح کرد.

سومین مفهوم فراگیر یعنی پیشران‌های زیرساختی نیز شامل ۳ مفهوم سازمان‌دهنده «ساختار فیزیکی»، «زیرساخت اداری لازم جهت توسعه دانشگاهی» و «پشتیبانی‌های فناوری اطلاعات» است. ظهور مفروضات جدیدی از فناوری ارتباطات و اطلاعات یکی از لایه‌های زیرین تحولات در چارچوب نهادی دانشگاه بر اساس رویکرد پسامدرنیته است. امروزه، سیاست‌گذاری علم و فناوری به سبب سیاستی حکومت‌ها افزوده شده و دیپلماسی علم و فناوری، عرصه جدیدی را در دنیای سیاست به خود اختصاص داده است. کشورها از طریق علم، فناوری و محصولات دانش‌بنیان

نه تنها فرهنگ خویش را هم‌زمان با علم و فناوری صادر می‌کنند، بلکه با افزایش جاذبه نزد ملل مختلف، قدرت نرم خویش را نیز افزایش می‌دهند. ما در عصر گذر از جامعه صنعت‌محور به جامعه اطلاعات‌محور یا به عبارت دیگر، گذر از دنیای فیزیکی به دنیای مجازی هستیم. اینک اهمیت فناوری اطلاعات و ارتباطات در راستای امکان دسترسی به پهنای باند به‌منظور افزایش سرعت و دقت به‌روشنی مشخص است به‌طوری‌که استفاده نکردن از آن، انزوای کشور و در نهایت حذف شدن از جامعه جهانی را به دنبال دارد. پیشرفت سریع فناوری و فراگیری دانش در عرصه نظام‌های علمی، زمینه‌ساز ورود به عصر اطلاعات و تشکیل جوامع دانش‌بنیان است. این مسئله، مولد فضای جدیدی در سطح جهانی است که پیچیدگی‌های خاص خود را همراه می‌آورد. دانش و فناوری، پایه‌های ارزشی جوامع جدید را می‌سازند و به‌عنوان زیربنای توسعه و هدایت جامعه عمل می‌کنند، بدان معنا که ما در حال حاضر در جامعه دانش به‌منزله آخرین مرحله از خط سیر یک جامعه پسا صنعتی اطلاعاتی قرار داریم. کشورهایی که به این مهم پی برده‌اند با درک درست از اهمیت جایگاه مدیریت دانش و فناوری و اهمیت ساختارسازی و تحلیل و رصد دائمی عوامل تعیین‌کننده در این عرصه، خواهان آن هستند که در عرصه جهانی همواره کنشگر باشند. به نظر کاپلان^۱ (۲۰۱۲) در عصر حاکمیت تجاری و عدم قطعیت، واکنش کنشگران در سطح دانشگاه باید به‌کارگیری سازوکار مقابله بالقوه از طریق ترکیب با تقاضاهای بازار و زدودن شکاف دیجیتالی به‌عنوان یک وسیله تطبیق با تغییرات محیط در حال پیدایش همراه با حفظ نقش اجتماعی خود باشد. از نظر دیتور (۲۰۰۲) فناوری زیربنای کنش تغییرات نهادهای اجتماعی و پیشران مهم آینده در همکاری‌های بین‌المللی در ظهور جامعه شبکه‌ای و به‌طور خاص، محرکی کلیدی در اقتصاد دانش‌بنیان در جهت تسهیل فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی در نظام آکادمیک است و به‌عنوان یک فرایند مداوم جهت ایجاد مزیت رقابتی در مؤسسات آموزشی عمل می‌کند (فین و همکاران^۱، ۲۰۰۷). یکی از دقیق‌ترین پژوهش‌ها در حیطه تأثیر فناوری اطلاعات بر دانشگاه‌ها را شورای تحقیقات ملی آمریکا در سال ۲۰۰۲ اجرا کرد. این شورا برخی از مشاهدات جالب در مورد نقش دانشگاه در انطباق با تغییرات فناوری را فراهم آورد. از جامعه آماری خواسته شده بود تا تحولات احتمالی پیش رو در دهه‌های آینده در حیطه فناوری را پیش‌بینی کند. در این گزارش جامعه آماری، چنین نتیجه‌گیری شد که تغییر در فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌عنوان یک پدیده و نمود، نه تنها فعالیت‌های فکری و علمی، بلکه دولت‌مردان و سیاست‌گذاران دانشگاه‌ها را نیز دگرگون می‌کند. آنها استدلال می‌کنند که تعلل یا سرعت بیش از حد در جذب فناوری از سوی

دانشگاه‌ها موجب از دست دادن بینش نسبت به ارزش‌های اصلی در استفاده از فناوری می‌شود. به همین دلیل، کنشگران دانشگاهی به تخصص لازم برای پیگیری روند و ارزیابی دوره‌های مختلف تغییرات بالقوه فناوری نیاز دارند (کابلر و سایرین، ۲۰۱۰).

در آخر پیشران زیست‌محیطی نیز به عنوان چهارمین مفهوم فراگیر مشخص شد که شامل ۱ مفهوم سازمان‌دهنده «توجه به زمینه‌های توسعه پایدار در آموزش عالی» است. در تبیین این نتیجه به دست آمده می‌توان گفت ضرورت‌های جنبش کیفی در نظام آموزش عالی، خلق و تکوین دانش جدید منطبق با نیازهای دنیای معاصر در فراسوی میان‌رشته‌ای شدن است. بحث بازنگری در ضوابط و استانداردهای توسعه رشته‌های تحصیلی در مؤسسات آموزش عالی با تکیه بر نیازهای متنوع سرزمینی و انگاره توسعه متوازن پایدار با اولویت‌دهی به آموزش‌های زیست‌محیطی و تغییر در سطح برنامه‌های درسی با توجه به هدف‌ها و سند چشم‌انداز راهبردی مؤسسات آموزش عالی کشور در اندیشه‌های فراگیران نسبت به مسائل محیط زیست و ارزش‌های آن از جمله الزامات لازم در جهت سامان‌دهی و ارتقای کیفیت مؤسسات آموزش عالی در جهت استمرار توسعه پایدار است. دانشگاه‌ها نقش مهمی در آموزش نسل‌های آینده، در انتشار اطلاعات درباره توسعه پایدار، توسط رهبران آموزش، مهارت‌های لازم برای حل مسائل محلی و منطقه‌ای در چشم‌انداز جهانی و میان‌رشته‌ای ایفا می‌کنند. مطالعات علمی چند دهه اخیر و تغییر سوگیری در سیاست‌ها و برنامه‌های راهبردی و کوتاه‌مدت در عرصه‌های جهانی و بین‌المللی، همگی نشان‌دهنده آن است که میان سطح توسعه پایدار و کیفیت تناسب نظام آموزشی و به‌ویژه آموزش عالی کشورها، ارتباط گسست‌ناپذیری وجود دارد (سامیت^۱ به نقل از جونز، سلبی و استرلینگ، ۲۰۱۰). روسکا و پانسکو (۲۰۱۰) نیاز به بازسازی و هدفمندسازی برنامه‌های توسعه پایدار با تمسک بر تلفیق اصول و مفاهیم مرتبط با رویکرد بوم‌شناسی زیست‌محیطی در برنامه‌های آموزشی و درسی را از عوامل پیش‌برنده و ضروریات مورد نیاز در دستیابی به چشم‌انداز دانشگاه پایدار مطرح کردند. این پژوهش با هدف کنکاش دیدگاه‌های ارائه شده در مورد پیشران‌های اثرگذار بر تضمین کیفیت آموزش عالی از دریچه نگاه خبرگان و صاحب‌نظران اجرا شد. عمده نظرات ارائه شده در حوزه شکل‌دهنده‌های تضمین کیفیت دانشگاهی، شامل نبود سیاست‌زدگی و مداخلات نهادهای سیاسی در سازوکارهای دانشگاهی، ضرورت یکپارچگی و نبود تعارض در ساختار و اجرایی کردن قوانین، مشارکت و همکاری‌های بین‌المللی، توجه به تجاری‌سازی نتایج پژوهش‌ها و ظهور فناوری‌های اطلاعاتی جدید و نقش آنها در ظهور نوع جدیدی از جامعه

اطلاعاتی بود. بدیهی است شناسایی مهم‌ترین شکل‌دهنده‌های کیفیت آموزش عالی، اتخاذ سیاست‌ها، تصمیم‌ها و راهبردهای بلندمدت در خصوص تأثیر این عوامل می‌تواند برای سیاست‌گذاران عرصه نظام آموزش عالی در برنامه‌ریزی، شناسایی، تشخیص وضوح مسائل، چالش‌ها و فرصت‌ها کارساز باشد.

نهایت این که در بخش کمی نیز برای تعیین اولویت پیشران‌ها از روش تحلیل فریدمن استفاده شد که بر مبنای کمینه اولویت بین پیشران‌ها با توجه به مقدار میانگین رتبه‌ها بیش‌ترین مقدار به بیان یافته‌ها، پیشران‌های درون‌زا و پس از آن به ترتیب پیشران محیطی، پیشران‌های زیرساختی و پایین‌ترین پیشران نیز پیشران زیست محیطی گزارش شد. بنابراین چنین بافتی که از پیشران‌ها به دست آمده از معناداری لازم برخوردار است. در همسویی با این پژوهش تارین و همکاران (۱۴۰۲) نشان دادند هر ۹ پیشران مؤثر بر آینده نظام آموزش دانشگاهی در فضای انقلاب صنعتی چهارم از اعتبار درونی و همسانی مناسبی برخوردار هستند. در تبیین این یافته باید گفت، از آنجا که کیفیت نقش محوری در تحولات تعالی بخش آموزش عالی دارد، ضروری است که متولیان آموزش عالی نیز با درک این ضرورت به کیفیت و پیشران‌های تاثیرگذار بر آن بیش از پیش توجه کنند. با این حال، باید توجه داشت، کیفیت نیازمند چارچوبی جامع و منسجم است. این چارچوب باید به‌گونه‌ای طراحی و تدوین شود که زوایای مختلف آن را در ابعاد مختلف نیروهای تشکیل دهنده پوشش دهد، اجزای مختلف کیفیت را معرفی کند، میزان اهمیت و سهم هر یک از عوامل را نمایان سازد و ابزار مناسبی برای شناسایی نیازهای مرتبط با فرایند کیفیت ارائه نماید. در همین راستا، در پژوهش حاضر، پیشران‌های لازم برای اعتبارسنجی و تضمین کیفیت نظام آموزش عالی کشور شناسایی شد. مقایسه نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج سایر پژوهش‌ها نشان می‌دهد تقریباً در همه الگوهای ارائه شده برای اعتبارسنجی و تضمین کیفیت، برخی از پیشران‌های شناسایی شده در پژوهش حاضر، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عامل‌ها مطرح شده است. بنابراین براساس یافته‌های به دست آمده پیشنهاد می‌شود به‌منظور فراهم کردن زمینه کیفیت‌بخشی در نظام عالی ایران سیاست‌زدایی و توجه به شایسته‌سالاری در نظام پژوهشی و

دانشگاهی کشور صورت پذیرد. همچنین با کاهش دیوانسالاری و تمرکزگرایی و زمینه‌سازی به منظور استقلال و آزادی عمل دانشگاه‌ها باید برای ابتکارات درون‌زا تلاش نمود. پیشنهاد می‌شود با اهتمام داشتن به تربیت متخصصان میان‌رشته‌ای در جهت توسعه فناوری‌های نوین بخش آموزش عالی را از بُعد زیرساخت تضمین کیفیت کمک نمود و با فراتر رفتن از شعارها و عملیاتی کردن سیاست، مأموریت‌گرا کردن زیرنظام‌های پژوهشی آموزش عالی به نقش اقتصادی دانشگاه‌ها و پیوند میان سیاست‌های پژوهشی و سیاست‌های صنعتی کمک کرد. در نهایت براساس آخرین پیشران نیز پیشنهاد می‌شود با هدف‌مندی برنامه‌های درسی با رویکرد بوم‌شناسی زیست‌محیطی و استفاده از شاخص‌ها و مدل‌های جهانی توسعه پایدار در محتوای برنامه‌های آموزشی نیروی مثبتی بر تضمین کیفیت آموزش عالی تزریق شود.

۶ مراجع

۱. بازرگان، عباس (۱۳۷۴). ارزیابی درونی دانشگاهی و کاربرد آن در بهبود مستمر کیفیت آموزش عالی. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۳ (۴)، ۱-۲۲.
۲. بازرگان، عباس (۱۳۷۶). کیفیت و ارزیابی آن در آموزش عالی: نگاهی به تجربه‌های بین‌المللی. رهیافت، ۱۵(۲)، ۱۳۶-۱۶۴.
۳. بازرگان، عباس (۱۳۸۷). ارزشیابی آموزشی (مفاهیم، الگوها، فرایند عملیاتی). تهران: سمت.
۴. بهشتی‌راد، رقیه؛ اردلان، محمدرضا؛ فراستخواه، مقصود (۱۳۹۷). شناسایی عوامل شکل‌دهنده تضمین کیفیت آموزش عالی ایران (مطالعه پدیدارشناسی). مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، ۸(۲۳)، ۱۵۳-۱۹۹.
۵. پری‌پور، اعظم؛ سرمدی، محمدرضا؛ ناطقی، فائزه؛ محمدی نائینی، مژگان (۱۳۹۹). ارائه الگوی ارزشیابی کیفیت آموزش ترکیبی در آموزش عالی مبتنی بر رویکرد ارزشیابی سیپ. پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۱۴(۵۱)، ۷-۲۲.

۶. دباغ، رحیم؛ برادران شرکا، حمیدرضا (۱۳۸۹). بررسی کارایی و بهره‌وری بیست‌وچهار دانشگاه جامع دولتی ایران. *مجله آموزش عالی ایران*، ۲، ۱-۳۳.
۷. روین، احسان؛ ریگی، عاطفه (۱۴۰۲). بررسی انتقادی نظام ملی نظارت و ارزیابی در آموزش عالی ایران: ارائه پیشنهادت سیاستی مطلوب. *پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۱۷(۶۰)، ۹۴-۱۰۸.
۸. شاه‌رضائی، سیدرسول (۱۳۸۹). بررسی وضعیت ارزیابی در آموزش عالی کشور به‌منظور ارائه یک چارچوب ادراکی. *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۵۶، ۴۱-۶۰.
۹. عباس‌پور، عباس؛ شاکری عباس‌آباد، محسن؛ رحیمیان، حمید؛ فراستخواه، مقصود (۱۳۹۴). تحقیق کیفی پیرامون راهبردهای پاسخگویی دانشگاه‌های دولتی از دیدگاه خبرگان آموزش عالی. *پژوهش‌های رهبری و مدیریت آموزشی*، ۱(۳)، ۲-۲۷.
۱۰. فراستخواه، مقصود (۱۳۸۹). *دانشگاه و آموزش عالی: منظرهای جهانی و مسئله‌های ایرانی*. تهران: نشر نی.
۱۱. فراستخواه، مقصود (۱۳۹۲). چارچوبی مفهومی برای برنامه‌ریزی مبتنی بر آینده‌اندیشی در دانشگاه. *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۶۹، ۱-۲۱.
۱۲. فراستخواه، مقصود (۱۳۹۴). *آینده بین‌المللی شدن آموزش عالی در جهان و نحوه مواجهه خلاق دانشگاه‌های ایران با آن، میز آینده‌پژوهی آموزش عالی ایران، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۳۰-۱.
۱۳. یارمحمدیان، محمدحسین؛ شاه‌طالبی، سمیه؛ فولادوند، مریم؛ شاه‌طالبی، بدری (۱۳۹۴). *ارایه مدلی برای ارزیابی عملکرد دانشگاه‌ها؛ مورد مطالعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان. دوماهنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۶(۲۲)، ۱۹-۳۸.
- 14) Alawadhi, H. (2024). The effects of war on the quality of higher education in Yemen: Scholars' perspectives. *International Journal of Educational Development*, 108, 103058.
- 15) Bardakci, S., Yelbay Yilmaz, Y., & Dilek Avsaroglu, M. (2024). Global diffusion of quality assurance research in higher education: a study on collaboration and concepts. *Higher Education Research & Development*, 43(3), 657-672.
- 16) Chakraborty, S. B., & Chowdhury, M. D. (2021). Academic Monitoring and Evaluation System of the Undergraduate Students at a Government College of

- Bangladesh: Problems and Remedies. *International Journal of Scientific & Engineering Research*, 12(2),56-72.
- 17) Chankseliani, M., & McCowan, T. (2021). Higher education and the sustainable development goals. *Higher Education*, 81(1), 1-8.
 - 18) Chi Hou, A. Y. (2011). Quality assurance at a distance: international accreditation in Taiwan higher education. *High Educ*, 61, 179-191.
 - 19) Council for Higher Education Accreditation (2003); *Accreditation and Recognition in the united states*; Internet: <http://www.chea.org>(accessed:1/03/2006).
 - 20) Dickeson R.C(2006).The Need for Accreditation Reform.The Secretary of Education 's Commission on The Future of Higher Education .Washington DC.
 - 21) George, B., & Wooden, O. (2023). Managing the strategic transformation of higher education through artificial intelligence. *Administrative Sciences*, 13(9), 196.
 - 22) Haddade, H., Nur, A., & Rasyid, M. N. A. (2024). Quality assurance strategies of higher education in digital era: an Anthropology of education study in Islamic higher education institution. *Quality Assurance in Education*, 32(1), 46-63.
 - 23) Harman, G. (1998). The Management of Quality Assurance: a Review of International Practice. *Higher Education Quarterly*, 52 (4), 345-364.
 - 24) Jones, P.; Selby, D. & Sterling, S. R. (2010). *Sustainability education: Perspectives and practice across higher education*. London: Earthscan.
 - 25) Lucander, H., & Christersson, C. (2020). Engagement for quality development in higher education: a process for quality assurance of assessment. *Quality in Higher Education*, 26(2), 135-155.
 - 26) Mireku, D. O., & Bervell, B. (2024). A decade of quality assurance in higher education (QAiHE) within sub-Saharan Africa: a literature review based on a systematic search approach. *Higher Education*, 87(5), 1271-1316.
 - 27) Mok, Ka Ho (2000). Impact of Globalization: A Study of Quality Assurance Systems of Higher Education in Hong Kong and Singapore. *Comparative Education Review*, 44 (2), 148-174.
 - 28) Ouyang, F., Zheng, L., & Jiao, P. (2022). Artificial intelligence in online higher education: A systematic review of empirical research from 2011 to 2020. *Education and Information Technologies*, 27(6), 7893-7925.
 - 29) Rawas, S. (2024). ChatGPT: Empowering lifelong learning in the digital age of higher education. *Education and Information Technologies*, 29(6), 6895-6908.
 - 30) Sam, R., Jamil, H. B., & Md Zain, A. N. (2024). *Cambodia's higher education development in historical perspectives (1863-2012)*. Available at SSRN 4850855.
 - 31) Shehatta, I., & Mahmood, K. (2016). Correlation among top100 universities in the major six global rankings: policy implications. *Scientometrics*, 109(2), 1231-1254.

- 32) Shwede, F. (2024). Harnessing digital issue in adopting metaverse technology in higher education institutions: Evidence from the United Arab Emirates. *International Journal of Data and Network Science*, 8(1), 489-504.
- 33) Villarreal, R., Vilalta-Perdomo, E., Salinas-Navarro, D. E., Thierry-Aguilera, R., & Gerardou, F. S. (2023). Challenges and opportunities of generative AI for higher education as explained by ChatGPT. *Education Sciences*, 13(9), 856.
- 34) Vlasceanu, L. (2004). *Quality Assurance and Accreditation: a Glossary of Basic Terms and Definitions*; Papers on Higher Education, Bucharest: UNESCO-CEPES.
- 35) Zheng, L., Umar, M., Safi, A., & Khaddage-Soboh, N. (2024). The role of higher education and institutional quality for carbon neutrality: Evidence from emerging economies. *Economic Analysis and Policy*, 81, 406-417.

An exploratory study of drivers affecting the quality of Iran's higher education system

Saeid Sharifi Rahnemo¹, Ruhollah Sohrabi^{2*}

1. Assistant Professor, Educational Development Center, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran

2. Associate Professor of Production and Operations Management, Faculty of Economic and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran. (Corresponding Author)

Received:06/08/2024

Accepted:22/07/2025

Abstract

The present study was conducted with the aim of exploratory study of drivers influencing the quality of Iran's higher education system. This research was applied in terms of the purpose and based on the mixed approach of planning and using the sequential exploratory strategy. In the qualitative part, the thematic analysis method was used, and in the quantitative part, the expert survey method was used. The statistical population of this study in the qualitative part was 14 university managers, specialists and experts in the field of evaluation and establishment of quality assurance systems in higher education, and the selection of participants was carried out using a criterion-based targeted method until theoretical saturation was reached. Also, in the quantitative part, 76 experts and members of the monitoring, evaluation and quality assurance boards of the monitoring and evaluation centers of the Ministry of Science in universities participated in this study using an accessible method. The data collection tool in the qualitative part was a semi-structured interview, which was used to ensure the quality of the data by summarizing and announcing at the end of each session. The data collection tool in the quantitative stage was a questionnaire on the drivers affecting the establishment of the quality assurance system in higher education based on the data from the previous stage, whose validity was calculated through a survey of seven experts and its reliability was calculated through Cronbach's alpha of 0.87. Thematic analysis and Friedman test were used to analyze the data. The findings showed that the drivers affecting the quality of the higher education system include 57 basic concepts, 17 organizing concepts, and 4 comprehensive concepts. Also, quantitative findings showed that, according to the average value of the rankings, the highest value was reported for endogenous drivers (3.84), followed by environmental drivers (2.76), infrastructure drivers (2.00), and the lowest driver was environmental drivers (1.08). Therefore, to provide a basis for quality in the higher education system, depoliticization and meritocracy should be implemented in the system. Also, efforts should be made to reduce bureaucracy and centralization and to provide the universities with the independence of action for endogenous initiatives.

Keywords: effective drivers, quality assurance, higher education system, exploratory study.

DOI: 10.22034/jsqm.2025.471725.1594